

بررسی تطبیقی شاخص های توسعه پایدار اجتماعی کلانشهر

تهران مطالعه موردی؛ منطقه ۶ و ۱۰

دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۷ پذیرش نهایی: ۹۲/۶/۷

صفحات: ۱۷۹-۱۹۴

مهرداد نوابخش: دانشیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

Email: Mehrdad navabakhsh@yahoo.com

سیدموسی پورموسوی: استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه امام حسین (ع)^۱

Email: mp.articles@yahoo.com

زهره تاجیک: کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

Email: Zohre.tajik8@yahoo.com

چکیده

بعد اجتماعی رویکرد توسعه پایدار شهری با تکیه بر اصل عدالت اجتماعی و برابری درون نسلی، ابزار مفیدی در خدمت انسجام شهری می باشد، به همین دلیل طرح مبحث توسعه پایدار اجتماعی در کلانشهر تهران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چراکه کلانشهر تهران امروزه به منظور حفظ و ارتقای کیفیت زندگی شهروندانش با چالش های جدی مواجه می باشد. هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی ابعاد اجتماعی مبتنی بر رویکرد توسعه پایدار شهری کلانشهر تهران در ۲ منطقه ۱۰ و ۶ است. این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی- پیمایشی بوده که روش گردآوری اطلاعات بوسیله پرسشنامه می باشد، تعداد پاسخگویان براساس نمونه گیری طبقه بندی شده در دو منطقه (۱۰ و ۶) ۳۶۵ نفر می باشد. یافته های تحقیق بر اساس تحلیل های آماری (آزمون F) نشان می دهد، وضعیت عواملی از جمله: مشارکت شهروندی شهروندان، نحوه عملکرد اجرایی مدیریت شهری، میزان دسترسی به منابع و امکانات شهری و کیفیت محیط زندگی در منطقه ۶ پایدارتر از منطقه ۱۰ می باشد و این عوامل موجب اختلاف و تفاوت دو منطقه ۶ و ۱۰ از منظر توسعه پایدار اجتماعی می باشد.

کلیدواژگان: توسعه پایدار اجتماعی، مشارکت شهروندی، کیفیت محیط زندگی، عملکرد مدیریت شهری، کلانشهر تهران

^۱. نویسنده مسئول: بزرگراه جلال آل احمد- جنب پارک رفتگر- پلاک ۱۱

مقدمه

امروزه قریب به نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. این دگرگونی عظیم در واقع نتیجه‌ای از رشد و توسعه صنعتی در جهان است که موجب تشدید فعالیت‌های آلوده-کننده، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گردید. همگامی توسعه شهری و صنعتی شدن از یک سو و رشد شهرنشینی در سال‌های اخیر از سوی دیگر، پیامدهای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی متعددی را در پی داشت (نوابخش، ۱۳۸۸: ۳۸).

دیدگاه مبتنی بر بعد اجتماعی این رویکرد، با تکیه بر اصل عدالت اجتماعی یا برابری درون-نسلی، مفهوم پایداری را وارد پژوهش‌ها و تحلیل‌ها در سطوح پایین سازمان فضایی شهرها، یعنی مناطق و حوزه‌های اجتماعی شهری می‌کند (علوی تبار، ۱۳۷۸: ۱۲). از آنجایی که مسائل و مشکلات امروز شهرها، تا حدی جلوتر از تصمیم سازان و برنامه ریزان شهری در حرکت است، بنابراین بررسی شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی مورد اهمیت است، چرا که موارد مطرح شده فوق، به نوعی مسائل امروز محدوده مورد مطالعه این تحقیق نیز می‌باشد. بعد اجتماعی رویکرد توسعه پایدار متفکرین توسعه را بر آن داشت تا فراتر از مسئله حفظ محیط زیست گام بردارند و نیاز به برابری را در جامعه با تاکید بر کاهش تنش‌های اجتماعی، ترویج نقش خانواده‌ها و اجتماعات و ترویج ارزش‌های اجتماعی، پویایی جمعیت، درآمد و اشتغال، سلامت و بهداشت و مشارکت‌های مدنی مورد نظر قرار دهند، که به واقع موارد فوق می‌تواند از محورهای اصلی توسعه پایدار اجتماعی باشد و نقش مهمی در ارتقاء کیفیت زندگی ایفا نماید (Lample, 2005: 11).

بررسی تئوری‌های موجود در این زمینه و در پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی شهری در جامعه شهری تهران اثرگذار می‌باشد. در ارتباط با علت اختلاف دو منطقه ۶ و ۱۰ (به لحاظ جغرافیایی نزدیک و همسایه) از آنجائیکه منطقه ۶ از مناطق برخوردار شهر تهران و از حیث شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد، در مقابل منطقه ۱۰ از حیث شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در وضعیت مطلوبی نیست، بررسی‌های اولیه نشان داد که مقایسه این دو منطقه می‌تواند به تعمیم یافته‌ها در بخش‌های وسیعی از شهر تهران منجر شود، به همین دلیل بررسی تطبیقی بین این دو منطقه به لحاظ پایداری اجتماعی صورت گرفته و سوالات زیر مطرح می‌شود. در این مقاله به دنبال پاسخ مناسب به سوال مطرح شده می‌باشیم.

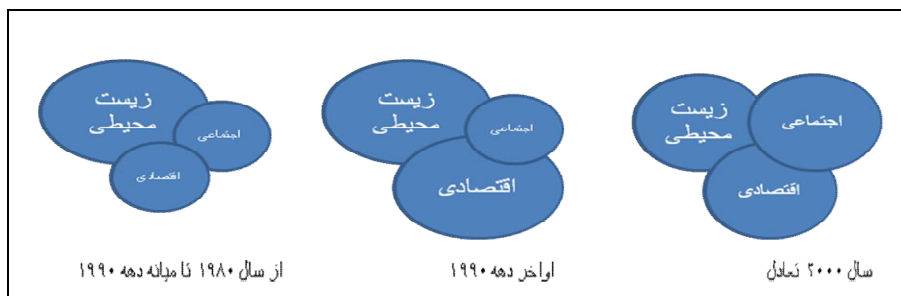
چه شاخص‌هایی از منظر توسعه پایدار اجتماعی موجب تفاوت در دو منطقه ۶ و ۱۰ شده است؟

مبانی نظری

امروزه ادبیات توسعه با گذر از توجه صرف به سرمایه های فیزیکی، دیگر سرمایه های تاثیرگذار در فرایند توسعه همانند سرمایه های طبیعی، سرمایه های انسانی، سرمایه های اجتماعی (شامل: انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، مشارکت پذیری، برابری فرصتها) را مورد توجه قرار می دهد (کلانترو برارپور، ۱۳۸۵: ۲).

غالب محققین بنابر تعریف گزارش برانتلند، توسعه پایدار را در سه بعد زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می دهند (Tanguay, 2009:1). همچنین ایجاد تعادل و انجام تلفیق بین ابعاد یادشده (زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی) مستلزم داشتن همکاری-های ضروری و لازم محلی، ملی، منطقه ای، جهانی و ترتیبات نهادی و مدیریتی می باشد (زاهدی، ۱۳۸۵: ۶۳ و ۶۴).

با توجه به شکل (۱) در سال های اخیر به ابعاد اجتماعی (پایداری اجتماعی) به عنوان مبنای توسعه پایدار نگریسته شده، که در ابتدا مفاهیم اقتصادی و زیست محیطی بر توسعه پایدار غالب بوده و علت آن به دلیل جنبش های زیست محیطی دهه ۱۹۶۰ و ماهیت غیرعینی و ناملموس جنبه های اجتماعی بوده است، اما رویکرد پایداری اجتماعی از سال ۲۰۰۰ به بعد جای خود را در ادبیات مربوط به توسعه پایدار باز کرده است (Colantonio, 2008: 3).



شکل (۱) ابعاد متفاوت توسعه پایدار و نسبت اهمیت هریک از ابعاد (Colantonio, 2008:4)

همچنین در این سال ها تلاش گردید تا مفهوم پایداری اجتماعی به صورت تئوری عرضه گردد. بنابراین یک تعریف منسجم از پایداری اجتماعی بایستی حاوی ارزش های مهم درخصوص برابری و دموکراسی باشد (Saches, 1999: 27). پایداری اجتماعی به معنای حمایت از توزیع برابر منابع، حمایت از تنوع در جامعه، تلاش در جهت رفع نیازهای اساسی مردم و سرمایه گذاری در منابع انسانی و اجتماعی است، که از طریق آنها، اهداف کلیدی اقتصادی و زیست محیطی تحقق می یابد (City Council of the city of Boulder, 2007: 10).

پایداری اجتماعی مساله برابری در فرصتها و استفاده از امکانات جهت تامین عدالت اجتماعی است. چنین تاکیدی، فقرزدایی را به اولین اقدام در جهت تحقق عدالت اجتماعی تبدیل می کند و می کوشد تا حد اقل شرایطی را فراهم آورده تا فرصت ها و امکانات به صورتی عادلانه در اختیار تمامی افراد قرار گیرد و خلایقیت ها امکان بروز و رشد و نمو به کف آورد (صرافی، ۱۳۷۷: ۲۲). بنا به نظر باورن و گونتلت پایداری اجتماعی زمانی رخ می دهد که: فرآیندها، نظام ها، ساختارها و روابط به طور فعالانه ظرفیتهای کنونی و نسل های آینده را به منظور ایجاد بهبودی و پیشرفت و قابل زیست بودن جامعه را حمایت کند. جامعه پایدار اجتماعی، برابر و متنوع، مرتبط و دارای روابط دموکراتیک بوده و کیفیت زندگی خوب را فراهم می کند (Barron & Gauntlett, 2002:3).

از دیدگاه ریک گیتز و ماریو لی، به منظور حفظ، کارکرد و پایداری جامعه دو سطح منابع می بایستی در جامعه ظرفیت سازی شود. ظرفیت انسانی و فردی که شامل: تحصیلات، مهارت و سلامتی و ظرفیت اجتماعی که شامل شبکه روابط و هنجارهایی که کنش های جمعی را به منظور بهبود کیفیت زندگی تسهیل می کند. اثر بخشی و ثبات هردو این منابع (اجتماعی و فردی) نیاز به توسعه دارد و باید در یک بستر که دارای ۴ اصل راهنما (برابری- ظرفیت و تعامل اجتماعی- امنیت- سازگاری و توافق) می باشد، اتفاق بیافتد (Gates & Lee, 2005:3).

بنا به نظر مکنزی توسعه پایدار اجتماعی، توسعه ای است که: نیازهای اساسی به غذا، سرپناه، آموزش، شغل، درآمد، شرایط زندگی و فعالیت را تامین می کند. عدالت خواه باشد و این اطمینان را بدهد، که منابع توسعه کاملاً در سراسر جهان به تساوی و منصفانه توزیع می شود. رفاه فیزیکی، ذهنی، اجتماعی جمعیت را ارتقاء داده و یا حداقل از بین ببرد. آموزش، خلایقیت و توسعه توان انسانی را برای کل جامعه ترویج نماید. میراث فرهنگی و زیستی را حفظ کرده و احساس ارتباط با تاریخ و محیط زیست را تقویت کند. مردم سالارانه باشد و مشارکت و دخالت شهروندان را ترویج کند. شرایط زندگی را بهتر کرده و بین طراحی شکل محل های عمومی شهر با رفاه اجتماعی کالبدی و شور و هیجان ساکنان شهر ارتباط برقرار نماید (Mckenzie, 2004:1). بر اساس دیپارتمان توسعه بین الملل بنیان های پایداری اجتماعی در موارد زیر بنا نهاده شده است:

برابری اجتماعی^۱: که عبارت است از: فراهم شدن فرصتهای برابر و حقوق بشر برای تمام مردم چه در حال و چه برای نسل های آینده.

^۱ - Social Justice

انسجام اجتماعی^۱: که عبارت است از ایجاد حس همدلی، همکاری و تشریک مساعی بین گروه های مختلف مردم.

مشارکت^۲: که عبارت است از فراهم شدن فرصت برای تک تک افراد جامعه تا بتوانند از این طریق هر شخص کیفیت زندگی خویش را بهبود بخشد.

امنیت: که عبارت است از فراهم شدن امنیت در امرار معاش^۳ و در برابر مخاطرات طبیعی (Department For International Development, 2007: 1-2).

با توجه به این باید گفت، پایداری اجتماعی می بایستی بتواند عناصر فعالیتهای اقتصادی را انعکاس داده و از سوی دیگر با گسترش شبکه های اجتماعی به تقویت رفاه و کیفیت زندگی بپردازد. (Mathias, 2005: 19).

در حوزه توسعه شهری از منظر پایداری اجتماعی ساخت شهرهای پایدار برای آینده مستلزم اقدامات برنامه ریزی می باشد. شهرها بایستی اصولاً فراگیر، برخوردار از یک محیط سالم و ایمن، از لحاظ اقتصادی شکوفا و همچنین از سرمایه اجتماعی برخوردار باشد (House, 2005: 2). (of Representative Standing Committee Environment & Heritage).

شهرها اصولاً آمیزه ای از ساختار کالبدی که شکل یا فرم آن را نمایان می سازد، هستند. طوریکه این محیط برای شهروندان زیست پذیر باشد. این آمیزه در بطن خویش عبارت است از: ساختمانها و بخش های حمل و نقل و نیز کلیه عناصر کالبدی است که به یک شهر، حس (مکان بودن)^۴ می بخشد. در این میان پایداری اجتماعی بایستی منعکس کننده آن عناصر فعالیتهای اقتصادی باشد که به شبکه های اجتماعی جان داده و به کیفیت زندگی و رفاه شهروندان نیز رونق بخشد (Mathias, 2005: 19).

به علاوه شکل شهرها تا حدودی شیوه زندگی شهروندی را که در آنجا زندگی می کنند، تحت تاثیر خود قرار می دهد. انسان شهری در لوای کیفیت زندگی شهری، شکوفایی اقتصاد محلی، سطح تفاهم اجتماعی، میزان امنیت و برابری و نیز نوع و چگونگی فعالیت افراد در مکان های عمومی به حیات خویش ادامه می دهد. از این رو همه آنچه که در بالا به آن اشاره شد، از عناصر مورد علاقه در پایداری شهری می باشند (Porta, 2001: 66). همچنین ساختارهای شهری با توجه به رویکرد پایداری اجتماعی باید مشوق این امر باشند که با حمایت و ترغیب

^۱ - Solidarity

^۲ - Participation

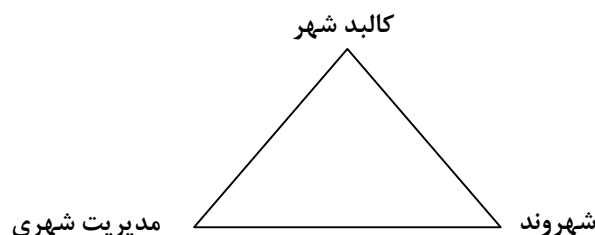
^۳ - Livelihood security

^۴ - Sense of place

رفتارهای پایدار^۱ آنها را به سمت ارزش های اجتماعی سوق دهند، زیرا شهروندان و شهر، جز مایملک اولیه شهر هستند. اگر رفتار شهروندان (به ویژه چگونگی مصرف، تولید و سطح زندگی) به سمت پایداری شهری سوق داده شود، در این صورت دستیابی به یک شهر پایدار چندان دور از واقعیت نخواهد بود (Danish Ministry of environment, 2007:7).

به طور کلی شهرهایی که برخوردار از پایداری اجتماعی اند دارای برابری، تنوع و چگونگی، ارتباط متقابل افراد با هم و نیز جو دموکراتیک می باشند، ضمن اینکه شهروندان از کیفیت یک زندگی مناسب نیز لذت می برند (Rann, 2005:1).

برای شهرداری ها اغلب این فرصت وجود دارد تا با درک درست از اولویت ها ابتکار عمل را در دست بگیرند و با هدایت اقدامات بخش خصوصی و عمومی، به اهداف پایداری اجتماعی جامع عمل بپوشانند. همچنین این نهاد (شهرداری ها) می توانند با استفاده از خرد جمعی و نیز در سایه دستیابی به پایداری اجتماعی تا حدود زیادی به اهداف مورد نظر خویش برسند (Mathias, 2005: V). رویکرد مبنایی این تحقیق بر اساس تئوری کارکردگرایی ساختاری «مجموعه ای از عناصر به هم پیوسته و متنوع که روابط متقابل ارگانیک با یکدیگر داشته و چه به لحاظ ادراکی و چه به لحاظ کالبدی، به دنبال ایجاد یک کلیت هدفمند، زیبا، قابل قرائت و منطبق با شرایط محیطی هستند، شهر منسجم و پایدار را شکل می دهند» (پاپلی یزدی ورجبی سناجردی، ۱۳۸۶: ۲۹۶). به عبارت دیگر ساختار شهری که متشکل از (شهروند، مدیریت شهری و کالبد شهر) می باشد که هر کدام از اجزا با کارکرد خود به حفظ پایداری اجتماعی شهر می نگرند. بعلاوه ساختار شهری در حیات مدنی از سه رکن شهروند و کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می شود. شهروند و مدیریت شهری ماهیتی فاعلی دارند و کالبد شهری ماهیت انفعالی. انسان بنا به مدنی الطبع بودن میل به شهروندی دارد و نیازمند حیات مدنی است و مدیریت شهری مکلف به ساماندهی و مدیریت کالبد شهر است (دیکنز، ۱۳۷۷: ۷۱).

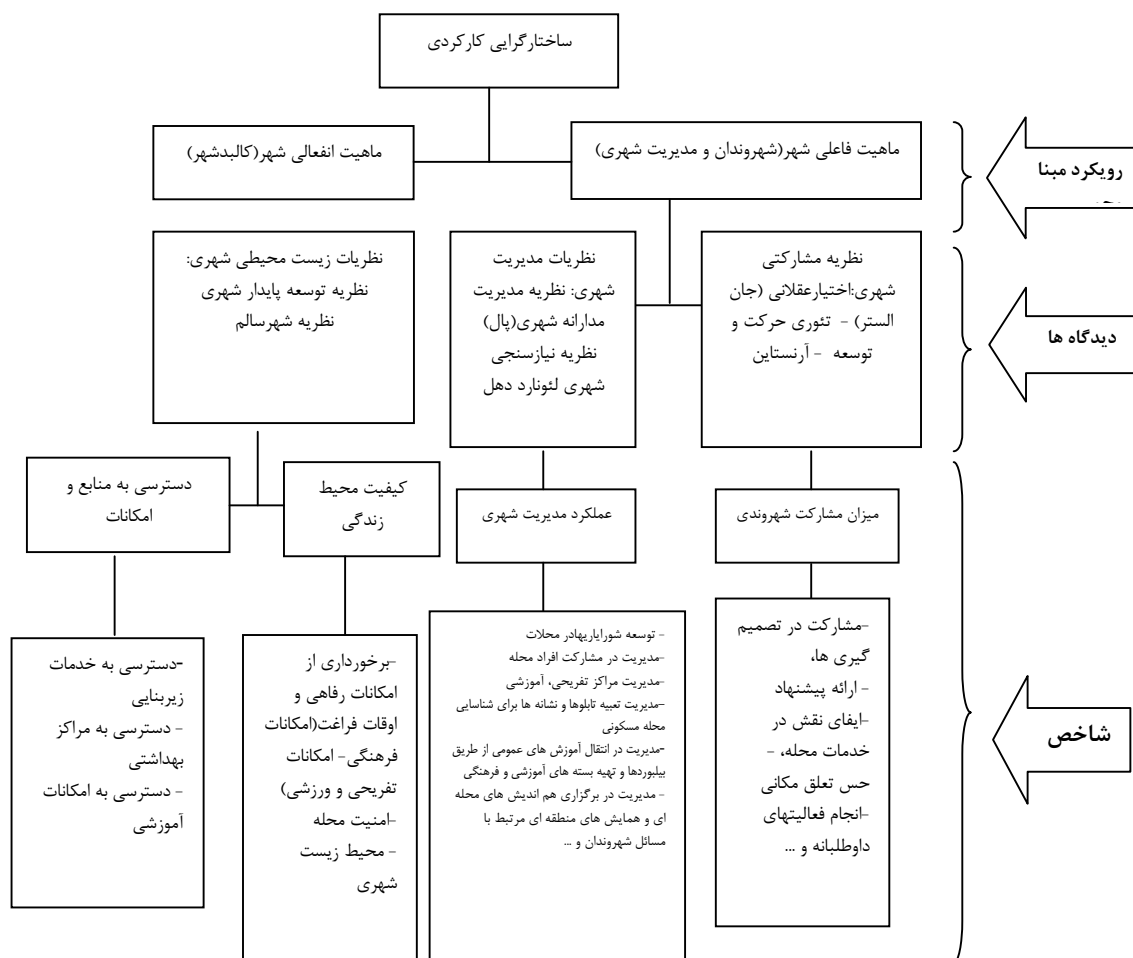


شکل (۲) ساختار شهری (دیکنز، ۱۳۷۷: ۷۱)

^۱ - Sustainable Behavior

براساس شکل (۲) پس از بررسی بر مبنای الگوی ساختی-کار کردی چهارشاخص زیر استخراج شد که هر کدام در غالب فرضیات زیر در ۲ منطقه (۶ و ۱۰) مورد مقایسه قرار می گیرد:

- میزان عملکرد اجرایی مدیریت شهری در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.
- میزان مشارکت شهروندی در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.
- میزان کیفیت محیط زندگی در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.
- میزان دسترسی به منابع و امکانات پایدار در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.



شکل (۳) رویکردها و شاخص های پایداری اجتماعی مبنای تحقیق (Colantonio, 2008)

محدوده مورد مطالعه

منطقه ۱۰ از شمال به خیابان آزادی، از شرق به بزرگراه نواب، از جنوب به خیابان قزوین و از غرب به خیابان شهیدان و هرمزان و پادگان جی محدود می‌شود، مساحتی معادل ۸۰۷ هکتار دارد و کوچکترین منطقه از حیث مساحت به شمار می‌آید. بافت فشرده با قطعات کوچک در این منطقه سطح قابل ملاحظه‌ای از منطقه را در بر می‌گیرد. جمعیت منطقه در سرشماری ۱۳۸۵، ۳۲۲۰۰۰ نفر اعلام شده است. از سطح منطقه میزان ۴۶۱ هکتار یا ۵۷ درصد سطح منطقه را کاربری مسکونی تشکیل می‌دهد. در روند تحولات جمعیتی و مهاجرت از منطقه، خانواده‌های پر جمعیت‌تر یا از منطقه مهاجرت کرده‌اند یا با مهاجرت نسل جدید آنها به خانواده‌های سالخورده و کم جمعیت تبدیل شده‌اند که تمایل به اسکان در محلات قدیمی خود را دارند (الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه ۱۰ تهران، ۱۳۸۶: ۱).

منطقه ۶ با جمعیت ۲۳۲۵۸۳ نفر و وسعت ۲۱۴۴ هکتار از شمال به بزرگراه همت، از جنوب به محور انقلاب-آزادی، از شرق توسط بزرگراه مدرس و از غرب به بزرگراه چمران محدود شده است. منطقه ۶ در وضع موجود با تراکم ناخالص جمعیتی ۱۰۸/۵ نفر در هکتار و با سطحی معادل ۳/۵ درصد مساحت شهر تهران به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق جایگاهی در تحولات شهری تهران دارد. منطقه شش به دلیل استقرار در مرکزیت جغرافیایی شهر تهران و از سوی دیگر به لحاظ موقعیت همجواری با مرکز ثقل قدیمی شهر یعنی محدوده بازار، میدان ارگ و توپخانه، تحت تاثیر اقداماتی که پهلوی اول در خصوص توسعه شهر تهران انجام داد و با انتقال و حرکت تدریجی موقعیت مرکز شهر به شمال و شمال غربی از دهه چهل مرکزیت فضایی، فعالیتی پیدا نمود. این منطقه در طی دهه‌های اخیر توسعه شهری تهران به تدریج عرصه تحولات کالبدی، فضایی و سیاسی تاثیرگذار در سطح ملی و حتی بین‌المللی گردیده است. بر این اساس و در شرایط کنونی از نظر فعالیت و عملکرد، بخش عمده‌ای از منطقه به عنوان استخوان‌بندی شهر تهران و مرکز ثقل جدید، حکومتی-اداری و تجاری (C.B.D) ایفای نقش می‌نماید.

آمارگیری‌های انجام شده افول جمعیتی که از سال ۱۳۶۵ در منطقه آغاز شد در دوره ۱۰ ساله بعدی (۱۳۷۵-۱۳۸۵) شتاب بیشتری گرفته و به ۵۷٪- درصد رسیده است. تغییر و تبدیل کاربری مسکونی به نفع فعالیت‌های تجاری است که منطقه را به یکی از مهاجر فرست‌ترین مناطق تهران تبدیل کرده است. بررسی و تشخیص تقسیمات درونی منطقه علاوه بر تبیین شفاف‌تر سازمان فضایی، می‌تواند به بهبود و ساماندهی نظام تقسیمات در جهت کارایی مدیریت شهری، ارتقاء و تقویت حس همبستگی شهروندی، پایداری شهری، تقویت حس مکان

و انطباق با نیازها و تغییرات جدید در زندگی شهری منجر شود (الگوی توسعه و طرح تفصیلی منطقه ۶ تهران، ۱۳۸۶: ۱).

روش تحقیق

برای جمع آوری داده ها ، طبقه بندی ، توصیف و تحلیل آنها از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، واحد تحلیل و واحد مشاهده شهروندان مقیم در مناطق ۶ و ۱۰ تهران می باشند. در پژوهش حاضر از فرمول معروف برآورد در نمونه کوکران، تعداد و حجم نمونه افراد مورد مطالعه محاسبه نموده ایم. تعداد نمونه ۳۶۵ نفر از شهروندان منطقه ۶ و ۱۰ تهران می باشد. شیوه نمونه گیری افراد مورد مطالعه، استفاده از نمونه گیری طبقه ای و شیوه انتخاب افراد به صورت تصادفی می باشد. روش های آماری جهت توصیف و تحلیل داده ها و برای آزمون فرضیات از آزمون فرضیه مقایسه ای پارامتریک، آزمون F که بوسیله نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته است. مقدار ضریب آلفا برای هریک از معرفهای در نظر گرفته شده، ۰.۹۵ که بالای ۰.۷ می باشد ، که نشان از پایایی ابزار اندازه گیری تحقیق است.

تجزیه و تحلیل

پس از گردآوری اطلاعات بوسیله پرسشنامه در ۲ منطقه ،اطلاعات زمینه ای در منطقه ۶ و ۱۰ به شرح زیر می باشد: از ۳۶۵ نفر از نمونه ی جامعه آماری، ۲۰۱ نفر معادل ۵۵.۱ درصد در مورد منطقه ۱۰ و ۱۶۴ نفر معادل ۴۴.۹ درصد در مورد منطقه ۶ پاسخ داده اند که ۲۴۹ نفر معادل ۶۸.۲ درصد مرد و ۱۱۶ نفر معادل ۳۱.۸ درصد زن هستند. ۲۶۵ نفر معادل ۷۲.۶ درصد متولد تهران و ۸۹ نفر معادل ۲۴.۴ درصد متولد سایر شهرها هستند. مدت اقامت بیشترین افراد برابر با ۱۰ سال می باشد مدت اقامت نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۱۲ و نیمی دیگر بیش از آن می باشد. متوسط مدت اقامت نمونه آماری برابر با ۱۴ سال می باشد. درآمد بیشترین افراد برابر با ۵۰۰ هزار تومان می باشد. درآمد نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و نیمی دیگر بیش از آن می باشد. متوسط درآمد نمونه آماری برابر با ۵۷۵ هزار تومان می باشد. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر میزان تحصیلات را نشان می دهد که درصد ۴۲.۷ پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم می باشند. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر وضعیت مسکن را نشان می دهد. ۵۳.۷ درصد پاسخگویان

دارای وضعیت مسکن شخصی می باشند. با توجه به شاخص های برآمده از مبانی نظری و پیشینه تحقیق، فرضیه های این پژوهش به صورت زیر مورد آزمون قرار گرفته است:

- فرضیه اول: میزان عملکرد اجرایی مدیریت شهری در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.

جدول (۱) میزان میانگین عملکرد اجرایی مدیریت شهری در منطقه ۶ و ۱۰ را نشان می دهد. عملکرد اجرایی مدیریت شهری در منطقه ۱۰ از میانگین ۳۸.۴۴ و منطقه ۶ از میانگین ۴۵.۱۷ برخوردارند. با توجه به فرضیه تحقیق که از نوع فرضیه تفاوتی است و سطح معنی داری دو دامنه (۰.۰۰۰) که زیر ۰.۰۵ است ($P \leq 0.05$) و حد بالا و پایین بدست آمده با فاصله اطمینان ۹۵ درصد حکایت از تفاوت میانگین عملکرد اجرایی مدیریت شهری در منطقه ۶ و ۱۰ دارد. با استناد به نظریه مدیریت شهری و تئوری مدیریت مداری پال، نقش و عملکرد مدیران شهری در توزیع منابع و امکانات از اهمیت خاصی برخوردار است، به عبارت دیگر میانگین عملکرد اجرایی مدیریت شهری در منطقه ۶ بیشتر از منطقه ۱۰ است. در حوزه برگزاری نمایشگاه و اقلام فرهنگی، انتقال آموزش های عمومی از طریق بیلبردها، برگزاری مراسم هم اندیشی محلی، مشارکت افراد محله مسکونی برای شرکت در تصمیم گیری ها، مدیریت مراکز خرید میوه و تره بار، مراکز فرهنگی-تفریحی- ورزشی و تعبیه تابلوهای شناسایی مدیریت شهری در منطقه ۶ عملکرد مطلوبتری نسبت به منطقه ۱۰ دارد.

جدول (۱) مقایسه عملکرد اجرایی مدیریت شهری در منطقه ۶ و ۱۰

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار از میانگین
عملکرد اجرایی مدیریت شهری	منطقه ۱۰	۱۴۹	۳۸.۴۴	۱۱/۸۵۴	۰/۹۷۱
	منطقه ۶	۱۳۶	۴۵/۱۷	۱۴/۷۳۰	۱/۲۶۳

- فرضیه دوم: میزان مشارکت شهروندی در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.

جدول (۲) میزان میانگین مشارکت شهروندی در منطقه ۶ و ۱۰ را نشان می دهد. در این صفت منطقه ۱۰ از میانگین ۱۸.۰۴ و منطقه ۶ از میانگین ۲۱.۱۴ برخوردارند.

با توجه به فرضیه تحقیق که از نوع فرضیه تفاوتی است و سطح معنی داری دو دامنه (۰.۰۰۰) که زیر ۰.۰۵ است ($P \leq 0.05$) و حد بالا و پایین بدست آمده با فاصله اطمینان ۹۵ درصد حکایت از تفاوت میانگین مشارکت شهروندی در منطقه ۶ و ۱۰ دارد، با توجه به نظریه حرکت و توسعه و نظریه ارنستاین مشارکت شهروندان در فعالیتهای شهری به عنوان یک حرکت اعتمادساز است که موجب انسجام سرمایه اجتماعی شهر یعنی شهروندان می شود. به عبارت

دیگر در حوزه اقدام نمودن به ارائه پیشنهادها برای محله، تصمیم گیری در حوزه خدمات محلی، مشارکت در آموزش های شهروندی، انجام فعالیتهای داوطلبانه و حس رضایت و تعلق مکانی شهروندان منطقه ۶ پویاتر و مشارکت بیشتری نسبت به منطقه ۱۰ دارند. میانگین مشارکت شهروندی در منطقه ۶ بیشتر از منطقه ۱۰ است.

جدول (۲) مقایسه مشارکت شهروندی در منطقه ۶ و ۱۰

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار از میانگین
مشارکت شهروندی	منطقه ۱۰	۱۵۹	۱۸/۰۴	۵/۰۵۸	۰/۴۰۱
	منطقه ۶	۱۳۸	۲۱/۱۴	۶/۳۰۶	۰/۵۳۷

- فرضیه سوم: میزان نوع کیفیت محیط زندگی در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.
جدول (۳) میزان میانگین کیفیت محیط زندگی در منطقه ۶ و ۱۰ را نشان می دهد. در این صفت منطقه ۱۰ از میانگین ۶۴/۲۵ و منطقه ۶ از میانگین ۷۴/۸۳ برخوردارند.
با توجه به فرضیه تحقیق که از نوع فرضیه تفاوتی است و سطح معنی داری دو دامنه (۰/۰۰۰) که زیر ۰/۰۵ است ($P \leq 0.05$) و حد بالا و پایین بدست آمده با فاصله اطمینان ۹۵ درصد حکایت از تفاوت میانگین کیفیت محیط زندگی در منطقه ۶ و ۱۰ دارد به عبارت دیگر در حوزه برخورداری از امکانات رفاهی و اوقات فراغت (امکانات تفریحی- ورزشی- فرهنگی از قبیل وجود فرهنگسرا، کتابخانه، سینما، سالن ورزشی وغیره)، امنیت محله (روشنایی در شب، میران جرائم خیابانی، میزان تصادف در محله)، محیط زیست شهری (از قبیل فضای سبز موجود، پاکیزگی محله، لایروبی جویها و غیره) میانگین کیفیت محیط زندگی در منطقه ۶ بیشتر از منطقه ۱۰ است.

جدول (۳) مقایسه کیفیت محیط زندگی در منطقه ۶ و ۱۰

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار از میانگین
کیفیت محیط زندگی	منطقه ۱۰	۱۳۸	۶۴/۲۵	۱۲/۸۷۷	۱/۰۹۶
	منطقه ۶	۱۲۱	۷۴/۸۳	۱۶/۲۵۳	۱/۴۷۸

- فرضیه چهارم: میزان دسترسی به منابع و امکانات شهری در منطقه ۶ و ۱۰ متفاوت است.
جدول (۴) میانگین دسترسی به منابع و امکانات پایدار در منطقه ۶ و ۱۰ را نشان می دهد. دسترسی به منابع و امکانات پایدار منطقه ۱۰ از میانگین ۶۴/۲۵ و منطقه ۶ از میانگین ۷۴/۸۳ برخوردارند. با توجه به فرضیه تحقیق که از نوع فرضیه تفاوتی است و سطح معنی داری

دو دامنه (۰.۰۰۰) که زیر ۰.۰۵ است ($P \leq 0.05$) و حد بالا و پایین بدست آمده با فاصله اطمینان ۹۵ درصد حکایت از تفاوت میانگین دسترسی به منابع و امکانات پایدار در منطقه ۶ و ۱۰ دارد به عبارت دیگر در حوزه دسترسی به خدمت زیربنایی، مراکز بهداشتی، امکانات آموزشی (بانکها، مراکز پستی، بیمارستان، دانشگاه و مدارس و غیره) میانگین دسترسی به منابع و امکانات پایدار در منطقه ۶ بیشتر از منطقه ۱۰ است.

جدول (۴) مقایسه دسترسی به منابع و امکانات شهری در منطقه ۶ و ۱۰

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار از میانگین
دسترسی به منابع و امکانات پایدار شهری	منطقه ۱۰	۱۵۱	۵۳/۸۴	۹/۱۱۴	۰/۷۴۲
	منطقه ۶	۱۴۰	۵۷/۶۳	۱۱/۰۹۰	۰/۹۳۷

همبستگی بین شاخص ها

همانطور که در جدول (۵) ملاحظه می شود همه شاخصها با همدیگر رابطه مستقیم و مثبت دارند. و نشاندهنده این تاثیرگذاری و تاثیرپذیری این شاخص ها از همدیگر می باشند.

جدول (۵) همبستگی بین شاخص ها

شاخص ها	همبستگی شاخص ها	عملکرد اجرایی مدیریت شهری	مشارکت مردمی	کیفیت محیط زندگی	دسترسی به منابع و امکانات پایدار
عملکرد اجرایی مدیریت شهری	همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۹۱	۰/۷۱۶	۰/۴۳۰
مشارکت مردمی	سطح معنی داری	۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰
کیفیت محیط زندگی	همبستگی پیرسون	۰/۴۹۱	۱	۰/۴۵۴	۰/۲۴۷
دسترسی به منابع و امکانات پایدار	سطح معنی داری	۰۰۰/۰	۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰
	همبستگی پیرسون	۰/۷۱۶	۰/۴۵۴	۱	۰/۶۶۲
	سطح معنی داری	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۰	۰۰۰/۰
	همبستگی پیرسون	۰/۴۳۰	۰/۲۴۷	۰/۶۶۲	۱
	سطح معنی داری	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۰

نتیجه گیری

با استعانت به فرضیات تحقیق پایداری اجتماعی در منطقه ۶ با توجه به شاخص های فوق الذکر: مشارکت شهروندی شهروندان ، نحوه عملکرد اجرایی مدیریت شهری، میزان دسترسی به منابع و امکانات شهری (دسترسی به خدمات زیربنایی، بهداشتی، آموزشی) و کیفیت محیط زندگی شامل: (برخورداری از امکانات رفاهی و اوقات فراغت که شامل امکانات فرهنگی و امکانات تفریحی و ورزشی و همچنین امنیت محل مسکونی و کیفیت محیط زیست شهری) پایدارتر از منطقه ۱۰ می باشد و این عوامل موجب اختلاف و تفاوت دو منطقه ۶ و ۱۰ از منظر توسعه پایدار اجتماعی شده است.

بنابراین منطقه ۶ دارای پایداری قویتری نسبت به منطقه ۱۰ می باشد. در ضمن آزمون هبستگی پیرسون بین شاخص های مذکور صورت گرفته و نشان دهنده یک الگوی خطی مستقیم و همبستگی مثبت بین شاخص ها می باشد همه شاخصها با همدیگر رابطه مستقیم مثبت دارند. برای مثال هر اندازه مشارکت شهروندی افزایش یابد، عملکرد اجرایی مدیریت شهری در ۴۹ درصد از موارد افزایش مستقیم خواهد داشت. همچنین با افزایش کیفیت محیط زندگی، شاهد افزایش عملکرد اجرایی مدیریت شهری در ۷۱ درصد از موارد خواهیم بود و با افزایش دسترسی به منابع و امکانات پایدار، شاهد افزایش عملکرد اجرایی مدیریت شهری در ۴۳ درصد از موارد خواهیم داشت.

به لحاظ نظری پایداری اجتماعی آمیزه ای است، از مبانی و حوزه های سیاست های اجتماعی سنتی نظیر: برابری و بهداشت، موضوعات مرتبط با مشارکت ها، نیازمندی ها، سرمایه اجتماعی، اقتصاد ، محیط زیست و اخیراً نیز موضوع شادمانی ، رفاه و کیفیت زندگی می باشد. همچنین این رویکرد منعکس کننده آن عناصر و فعالیتهای اقتصادی است ، که به شبکه های اجتماعی جان داده و به بهبود کیفیت زندگی و رفاه شهروندان رونق می بخشد. در این رابطه دستیابی به پایداری اجتماعی مستلزم تغییر در نگرش مردم پیرامون کیفیت زندگی است و آن بایستی به صورت یک هدف واقعی برای همه افراد و در همه زمانها درآید. در این راستا از جمله چالش های رویکرد مزبور ، منفک نبودن پایداری اجتماعی با دو بُعد زیست محیطی و اقتصادی آن است . همچنین در اغلب مواقع داده های اجتماعی و فرهنگی به راحتی در دسترس نبوده و اندازه گیری آن بسیار مشکل می باشد. در تبیین جایگاه رویکرد توسعه پایدار اجتماعی باید گفت: که پایداری اجتماعی زمانی محقق می شود که فرایندهای رسمی و غیررسمی ، سیستم ها، ساختارها و روابط موجود در شهرها با مساعی یکدیگر هرچه بیشتر بر

ظرفیت نسلی فعلی و نسل های آینده بکوشند ، که قاعدتاً نتیجه آن برخورداری از یک شهر پویا ، سلامت مدار و نیز سرزنده خواهد بود .

با توجه به یافته های تجربی پژوهش، این پیشنهادها می تواند مورد تأمل قرار گیرد:

جهت دهی سیاستهای توسعه ای به سوی محورهای زیر:

الف- آموزش شهروندان در جهت شناخت بیشتر شهروندان به وظایف شهروندی از جمله آموزش دانش آموزان و نسل کنونی در مورد تحقیق مؤلفه های توسعه پایدار.

ب - اطلاع رسانی به شهروندان؛ تدوین برنامه های تبلیغاتی از سوی رسانه ها در جهت آشنا کردن جوانان با مفاهیم توسعه پایدار در زمینه انتقال آگاهانه بیم ها و امیدهای دنیای آینده. به عبارت دیگر استفاده وسیع از اطلاع رسانی عمومی برای ترویج و تشویق مشارکت عمومی و ارتقاء هوشیاری و آگاهی جامعه. متخصصان و تصمیم گیران با آموزش مبحث پایداری، مردم را در تمام گروه های سنی آماده پذیرش طرح های توسعه پایدار شهری نمایند.

ج - توجه به عوامل اجتماعی از جمله:

گسترش وسایل حمل و نقل عمومی مطابق با استانداردهای جهانی از جمله خطوط مترو، گسترش ترامواگسترش و در دسترس قرار دادن مراکز بهداشتی و درمانی.

تغییر شیوه های مدیریتی به ویژه مدیریت مبتنی بر نیاز محله ها از جمله بها دادن به ساکنین محله های مسکونی و مشارکت اجتماعی آن در تصمیم گیری ها.

د) با توجه به عوامل فرهنگی از جمله:

- گسترش و تقویت مراکز فرهنگی - آموزشی در سطح محلی

- گسترش و تقویت مراکز تفریحی و ورزشی

- گسترش دادن و تقویت ایجاد فضای سبز در محله های مسکونی

- تدوین حقوق شهروندی و اجرای آن.

در ادامه این پیشنهادها ارائه می شوند:

۱- با توجه به اهمیت و ضرورت حیاتی و اجتناب ناپذیر وجود یک قانون مبتنی بر گفتمان شهروند مدار که هم حاوی الزامات فرهنگی، حقوق مدار و هم وظیفه مدار برای شهروندان باشد، پیشنهاد می شود در دستور کار سیاست گذاری شهروندی قرار گیرد.

۲- تدوین منشور مشارکت شهروندی به گونه ای که استراتژیهای توسعه شهری نباید از بالا انتخاب و اعمال شود بلکه باید توسط مردم و متخصصان طراحی و ترکیب شود.

منابع و مآخذ

۱. پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی (۱۳۸۶) نظریه های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت، ص ۲۹۶.
۲. دیکنز، پیتر (۱۳۷۷) جامعه شناسی شهری، ترجمه حسین بهروان، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۷۱.
۳. زاهدی، شمس السادات و غلامعلی نجفی (۱۳۸۵) بسط مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی: دوره ۱۰، شماره ۶، ص ۶۳-۶۴.
۴. صرافی، مظفر (۱۳۷۷) تمرکززدایی کلانشهرهای کشورهای جنوب، مجله معماری و شهرسازی، ش ۴۸، ص ۲۲.
۵. صرافی، مظفر (۱۳۷۹) مفهوم، مبانی و چالشهای مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۲، ص ۸۰.
۶. کلانتر، کیانوش و کورش برارپور (۱۳۸۵) الگوهای نوظهور در سنجش پایداری توسعه، تدبیر، شماره ۱۸، ص ۲.
۷. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۸) الگوی مشارکت در جامعه مردم سالار، ماهنامه شهرداریها، ش ۸، ص ۱۲.
۸. نوابخش، مهرداد و اسحاق سیاه پوش ارجمند (۱۳۸۸) مبانی توسعه پایدار شهری، تهران، انتشارات جامعه شناسان، ص ۲۲۰.

Barron Leanne, Erin Gauntlett, (2002) *Social sustainability*, WACOSS, p: 3

City Council of the City of Boulder, (2007) *City of Boulder social sustainability strategic plan*, Department of Housing and Human services, p: 10

Colantonio, Andrea, (2008) *social sustainability: linkage Research to policy and practice*, Oxford Institute for sustainable Development (OISD), Oxford Brookes University, p: 3-4

Danish Ministry of the Environment, (2007) *Copenhagen. Agenda for sustainable cities 10 principles for sustainable city governance*, Denmark, p: 7

Department for International Development. (DFID) 2007, p: 1-2

Duxbury, Nancy and Eillen Gillette (2007) *Culture as a key Dimension of sustainability: Exploring Concepts, Themes, and Models*, Creative city Network of Canada.

Gates Rick, Lee Mario (2005) *Difition Social sustainability*, Vancouver City Council

House of Representative Standing Committee Environment & Heritage, (2005) *sustainable cities*, The parliament of the commonwealth of Australian, p:2

Lample, (2005) Lise-Aurore, *the social dimension of sustainable development and mining industry*, Minerals and metals sector, natural resources Canada.p:11

Mathias, Louella, (2005) *Corporatesocial Responsibility and social sustainability: A role for local government*, Simon fraser university, p: 19

Mckenzie, Stephen, (2004) *social sustainability: toward some definition*, Hawake Research Institute, University of South Australia, Magill, South Australia,p:1

Porta, Sergio, (2001) *Formal indicators: Quantifying the contribution of form to urban social sustainability*, Polytechnic of Milan and CAIRE, Italy, p: 66

Rann., Mike and Michael Harbison, (2005) *social sustainability partnership agreement between the Adelaide city Council and the state government of south Australian* , TheAdelaide city Council,p:1

Saches, I, (1999) *social sustainability and whole development: exploring the dimensions of sustainable development*, Zed Books, Londo, p: 27

Tanguay, Georges A., 2009 *measuring the sustainability of Cities: A survey-based analysis of the use of local indicators*, scientific series, Montreal, p: 1